

«مسجد رهبر» به چاپ سوم رسید



کتاب «مسجد رهبر»؛ تاریخ شفاهی مسجد کرامت، از مساجد تأثیر گذار و کانون مبارزان انقلاب در شهر مشهد، نوشته مر تضى انصاری زاده،از سوى انتشارات راه‌یار به چاپ سوم رسید.

به گزارش مهر، چاپ اول این کتاب ابتدای آذر ۹۸ به بازار نشر عرضه شد و در روزهای پایانی همان ماه به چاپ دوم رسید. تحقیق و مصاحبه‌های این کتاب که از سال ۱۳۸۸ شروع

شده‌اند، به ترتیب از سوى حسن سلطانی، سیدمحمد امیر احمدی طباطبایی و احمد عسکری انجام شده‌اند و در این مدت با بیش از ۷۰ نفر از مرتبطان مسجد کرامت مصاحبه صورت گرفته و هزاران سند مطالعه شده‌است. علاوه بر ۲ فصل کتاب که زمینه‌های شکل گیری و فعالیت‌های مسجد کرامت را بررسی و تبیین می کند، تصاویر، اسناد و اعلام نیز در سه فصل، ضمیمه کتاب شده‌است ودر مجموع، می توان

این کتاب را اثری در حوزه «مسجدنگاری» معرفی کرد.

«مسجد رهبر»، گزارشی است از شکل گیری و فعالیت‌های «مسجد کرامت» مششده، در نزدیکی حرم مطهر امام رضاع). این مسجد را که بعدها امام جماعتش، رهبر انقلاب اسلامی شد، می توان از ابعاد گوناگون نمونه‌ای ممتاز از الگوی فعالیت مسجدی در منظومه معرفتی آرمانی اسلام ناب معرفی کرد. این کتاب با ۵۴۴ صفحه، شمارگان هزارو ۵۰۰ نسخه و قیمت ۵۰ هزار تومان عرضه شده است.

۲۲ هزار کتاب جدید در کتابخانه‌های استان

خرید و توزیع ۲۲ هزار نسخه کتاب از محل منابع استان در سال ۹۹ بین کتابخانه‌های عمومی خراسان رضوی آغاز شد. به گزارش روابط عمومی اداره کل کتابخانه‌های عمومی خراسان رضوی، مدیر کل کتابخانه‌های عمومی خراسان رضوی گفت:منابع مورد نیاز کتابخانه‌ها بر اساس فهرست مورد تأیید نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور و با توجه به مخاطبان انواع کتابخانه‌ها، خریداری و در ابتدای امسال در کتابخانه‌های عمومی استان توزیع شد.

علی اکبر سبزیان یادآور شد: با توجه به امضای تفاهنامه با سازمان آتش نشانی مشهد، ۱۰ ایستگاه دانایی در مراکز آتش نشانی شهر مشهد راه‌اندازی شده که دارای ۲۰۰ عنوان کتاب است.

درخشش «گورکن» در جشنواره ریورساید



فیلم سینمایی «گورکن» به کارگردانی کاظم ملایی سینماگر مشهوری در تازه‌ترین حضور جهانی خود، نامزد دریافت جایزه بهترین فیلم سینمایی در نوزدهمین جشنواره بین‌المللی ریورساید آمریکا شد. به گزارش روابط عمومی این پروژه، جشنواره فیلم ریورساید که از سال ۲۰۰۲ در کالیفرنای آمریکا آغاز به کار کرده است، هر سال در بخش‌های آثار سینمایی، فیلم کوتاه، انیمیشن، مستند و دانشجویی بر گزار شده و بیشترین تمرکزش، نمایش آثار متفاوت و چالش برانگیز اجتماعی است. نوزدهمین دوره این رویداد از ۷ تا ۱۱ اردیبهشت با برگزاری کارگاه‌های آموزشی و جلسات پرسش و پاسخ آنلاین، در ریورساید بر گزار می‌شود. «گورکن» ماه آینده نیز در بخش اصلی بیست و سومین جشنواره فیلم مریلند آمریکا به نمایش در می‌آید.

پایان فیلم‌برداری سریال «سودا»

سریال «سودا» که در ۱۰ قسمت برای پخش از شبکه نمایش خانگی تولید شده است، به ایستگاه پایانی فیلم‌برداری رسید. به گزارش روابط عمومی این پروژه، هم‌زمان با پایان فیلم‌برداری «سودا» به تهیه‌کنندگی مهر داد فرید و کارگردانی ایمان یزدی، اولین تیزر این مجموعه رونمای شد و در کنار چهره‌های سینما که در این مجموعه حضور دارند، علیرضا طلیسچی خواننده پاپ نیز برای اولین بار مقابل دوربین رفته و نقش آفرینی کرده است. بدزودی و پس از عقد قرارداد پخش سریال، این مجموعه از طریق یکی از پلتفرم‌های مجازی عرضه خواهد شد. محمدرضا علیمردانی، بهار کیان افشار، سمیرا حسن پور، پیام احمدی‌نیا، شبنم فرشادجو، سید یاسر جعفری، پژواک ایمانی، ابراهیم کوخایی، محمدرضا هدایتی، پرویز فلاحی‌پور و بهرنگ علوی از بازیگران «سودا» هستند.

«جشن سربرون» در خاوران

فیلم‌برداری سریال «جشن سربرون» به کارگردانی مجتبی راعی به خاوران رسید. به گزارش سیمافیلیم، حسن نجاریان تهیه‌کننده سریال «جشن سربرون» درباره مراحل تولید این سریال گفت: گروه مشغول فیلم‌برداری در اطراف شهر خاوران در جنوب شرقی تهران هستند. او با اشاره به پایان بخش زمستانی سریال خاطر نشان کرد: مدت‌ها در انتظار برف در ارتفاعات جاده امام‌زاده داوود بودیم که خوشبختانه روزهای پایانی اسفند برف بارید و توانستیم این بخش را که یکی از بخش‌های سخت مجموعه بود، ضبط کنیم. حسین محبوب، محمود پاک‌نیت، نادر فلاح، لاله اسکندری، داریوش کاردان، میرطاهر مظلومی، رامین ناصر نصیر، مهدی فقیه، مرحوم کریم اکبری مبارک و ارسلان قاسمی از بازیگران این مجموعه هستند.

اکران فیلم‌های نوروزی در عید فطر

رئیس شورای صنفی نمایش درباره ترکیب اکران فیلم‌های سینمایی در عید فطر امسال توضیحاتی ارائه کرد. مرتضی شایسته در گفت‌وگو با شبکه خبر نگاران جوان، درباره وضعیت اکران فیلم‌های سینمایی برای عید فطر گفت: قرار است، همان فیلم‌های نوروزی، برای اکران عید فطر به نمایش گذاشته شوند. او یادآور شد: این فیلم‌ها هنوز به طور کامل و در مدت زمان کافی اکران نشده‌اند. البته همه این برنامه‌ریزی‌ها در شرایطی انجام می‌پذیرد که سینماها باز شوند.

«خورشید»، «هفته‌ای یکبار آدم باش»، «خون شد»، «تک خال» و «لاله» فیلم‌های نوروزی امسال بوده‌اند.

شهریار

روزنامه‌ شهرامید وزندگی

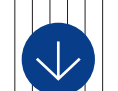
SHAHRANNEWS.IR

۴شنبه

۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۹

۱۵ بهمن ۱۳۹۹

۱۵



فرهنگ و هنر

روزنامه‌نگاری می‌گذاشت آخر این جمله، شکلک گریان بگذارم. ولی نمی‌شود.

مطلبی که چاپ شده بود را با کمی تغییر، دوباره چاپ می‌کنیم. فقط افعال را به دیروز برمی‌گردانم تا خواننده در پس هر فعل «ضارع» که به «ماضی» تبدیل شده است، تصویری غم‌انگیز از دیر رسیدن و دور شدن‌ها را ببیند. بعضی کلمات حذف شده‌اند تا وزن کلام به هم نریزد. هر فعلی که در «آکولاد» می‌بینید مربوط به آن گزارش است و مخصوصا در آن قرار گرفته است تا ربطش با بقیه متن از بین برود در عین حال خواننده نشود. فعل صحیح، قبلش نوشته شده و شاید چاپ مجدداً این نوشته ادای احترامی باشد به آدم حسابی‌ای که نباید از ذهن هنر مشهد پاک بشود.

طبیعت همیشه بهترین منبع الهام‌بخشی بوده است. مثل پریمردیانی است که ته جیش همیشه آجیل و شکلات دارد برای آدم‌هایی که به سراغش می‌روند و به آن پناه می‌برند. این تنها حرف من نیست. این مطلب را خیلی از شاعران، نویسندگان، فیلم‌سازان، عکاسان، نقاشان و خیلی دیگر از هنرمندان، بارها اعتراف کرده‌اند. طبیعت مثل باتکیی پر از ایده است که نقاشان کار بلد، فیلم‌سازان بزرگ، نویسندگان نامدار و شاعران خوش قریحه هر وقت کفگیرشان در کلمه و فرم و محتوا، به ته‌دیگ می‌خورد، به سراغش می‌روند و از آن وام می‌گیرند. منظره‌هایش عناصری دارد که هیچ‌وقت تکراری نمی‌شوند. دریا و جنگل و آسمان و گیاه و درخت، همیشه در آثار بسیاری از هنرمندان بوده و هیچ‌وقت هم تکراری نشده. این نوشته در مدح عنصری از عناصر بی‌شمارش به حساب می‌آید. «درخت‌ها». جاندارانی که نگاه هنرمندان مختلف به آن‌ها متفاوت است و هر کدام معنای دیگری به غیر از شاخ

و برگ از آن برداشت کرده‌اند. درخت در فیلم‌های «اندری تارکوفسکی» معنی متفاوتی می‌دهد تا نقاشی‌های «ایوان شیشکین»، درخت در شعرهای «سهراب سپهری» یا نوشته‌های «بیژن الپی» فرق دارد. درخت‌ها در زاویه نگاه هر هنرمند، بسته به فرم و ترکیب‌بندی کارشان، کش می‌آیند، قطورتر یا نازک‌تر می‌شوند و سبز می‌شوند یا می‌شکندند. می‌خواهم از درخت‌های متفاوتی صحبت بکنم. ستون‌های سبز و زرد و سفیدی که از سوی «سید محمود کاشی‌الحسینی» روپاییده شده بودند (شده‌اند). نمایشگاهی مملو از همین عنصر تکرار شونده و تکراری نشونده! تمام کارهای کاشی‌الحسینی حول محور همین تجربه می‌چرخید (می‌چرخد). درخت‌ها را در زوایای مختلف با آبرنگ و آبرم‌کب، رنگ روغن و اکریلک و همچنین با قلم‌فلزی نقش زده بود (است). جنگلی که او تکه‌به‌تکه، با تکنیک‌های مختلف روی بوم و مقوا نقش کرده بود (است). هر کدام از تابلوها مربوط به منطقه‌ای از حوالی مشهد بودند (هستند). بیشتر مناظر مربوط به پارک وکیل‌آباد و بقیه مربوط به شاندیز و دیگر مناطق تفریحی و پر درخت بودند (هستند). او در کارهای رنگ‌روغنش به نور و فرم بیشتر دقت کرده بود (است) و به رنگ توجه ویژه‌ای داشت (دارد). درحالی‌که آثار آبرنگ و آبرم‌کب در نهایت دقت و ظرافت خلق شده بودند (شده‌اند). رنگ‌ها در ترکیبی چشم‌نواز قرار گرفته بودند (اند) و سرعت می‌زده به خوبی درک شدنی بود (است). آثاری با قلم‌فلزی، در آن نمایشگاه قرار گرفته بودند (اند) که به خوبی نشان از تبحر هنرمند در نشان دادن فواصل و عمق، در کنار ریزه‌کاری‌ها و همین‌طور هماهنگی در عین به هم‌ریختگی داشت

(دارد). به هر حال او هم‌دوره و شاگرد استاد مرحوم «غدير صباغیان» بزرگ بود. به نقل از خودش افتخار شاگردی مرحوم «استاد صبا»، «استاد جلالیان»، «استاد ترمه‌چی» و «هادی تقی‌زاده» را داشته که با آخرین استادش از سال ۱۳۶۳ تا هنگام وفاتش (کنون)، آدمی همچنان در ارتباط بود (است). آدمی در قدوقواره‌های کاشی‌الحسینی که آموزش و تربیت نسل جدیدی از نقاشان نوگرا و طبیعت‌گرا را بر عهده داشت (دارد)، از عشقش به طبیعت و کار کردن در دل طبیعت می‌گفت (می‌گوید). او هنرمندی بود (است) که زیاد با کار کردن در فضای بسته میانه‌ای نداشت (ندارد) و معتقد بود (است) که: برای تولید کار با احساس، باید از فضای آتلیه خارج شد. روزگار خیلی فرق کرده است. مردم مرفقی تر شده‌اند و فرهنگ خارج شدن نقاش از آتلیه را به راحتی می‌پذیرند. در حالی‌که فرآیند خلق اثر در دل طبیعت در آن دوره خیلیی توفیر داشت. آن‌موقع‌ها دیدن هنرمندی با بوم و سه‌پایه نقاشی خیلی غریب‌تر از این روزگار بود. با این‌حال عشق به خلوت و سکوت طبیعت، هنرمندان را مجاب می‌کرد که حتماً پی کار را بگیرند و با تمام نامأ‌نوسی این اتفاق، به علاقه خودشان بپردازند. کاشی‌الحسینی در طول سال‌ها به ساخت مجسمه و زیورآلات و همچنین هنرهای تزئینی هم در کنار نقاشی به صورت حرفه‌ای می‌پرداخت (می‌پردازد). حاصل سال‌ها فعالیتش در زمینه هنر تا



برخی از آثار مرحوم کاشی‌الحسینی که در آخرین نمایشگاه او به نمایش در آمد

گفت‌وگو با دوستان و شاگردان استاد مرحوم سید محمود کاشی‌الحسینی که حامی هنرمندان جوان مشهد بود

تک درختی که دیگر نیست



مرحوم کاشی‌الحسینی در دره ارغوان به همراه آخرین اثر هنری اش که در صفحه ایستاکرامش منتشر کرده است

نقاش پیشکسوتی در این شهر هست که نام و یاد او را در خاطر نداشته‌باشد.

انجمن هنرهای تجسمی این شهر کوشیده است، او بدون ادعای یکی از بهترین نقاشان طبیعت‌گرای مشهد بوده است. کمتر

هنگام وفاتش {کنون}، تربیت شاگردان بسیار و نمایشگاه‌های گروهی و انفرادی زیادی بود.

برای نوشتن این سوگواره، به قدر هزاران کلمه پیرتر شدم. به خانواده‌اش، جامعه هنری مشهد و تمام شاگردان و دوستانش تسلیت می‌گویم و برای رنگ‌هایی که دیگر از قلم‌موی او بر هیچ بومی نمی‌نشینند، افسوس می‌خورم. خدا رحمتش کند.



نیز درباره مرحوم کاشی‌الحسینی بیان می‌کند: ۴۵سال قبل با او در جلسات نقد و بررسی آثار نقاشان مشهد که عصرهای پنجشنبه برگزار می‌شد، آشنا شدم. همه نقاشان سرشناس مشهد که خیلی از آن‌ها در قید حیات هستند و خیلی‌ها هم در گذشته‌اند، در این جلسه حضور داشتند. آنجا باید هر هفته هنرمندان با اثر جدیدی حاضر می‌شدند. آن مرحوم هم از فعالان این جلسه بود و همیشه با دست‌پری می‌آمد.

به گفته این هنرمند پیشکسوت، آن مرحوم شخصیتی انزواطلب داشت، ساده و صمیمی بود و خیلی اهل نشان دادن هنر خود به دیگران نبود.

● نگاه‌به‌معلولیت را تقبیر دارند

استاد کاشی‌الحسینی که مهارت تجاری هم داشته بیشتر اوقات خودش برای هنرجویانش بوم نقاشی و تابلو می‌ساخته است. یادگاری‌های او در این زمینه به زیباترین خاطرات سمانه احسانی‌نیا، هنرمند پر تلاش مشهدی که در اثر ساحت‌ه به معلولیت سنگینی دچار شده، تبدیل شده است.

او می‌گوید: ۱۰سال پیش در بازارچه نیکوکاری آسایشگاه شهید فیاض‌پخش با استاد تقی‌زاده و کاشی‌الحسینی آشنا شدم و از همان زمان من را به کارگاه نقاشی‌شان دعوت کردند و مسیر هنری زندگی‌ام تغییر کرد. در این بین، حضورم در این کلاس باعث شد نگاه‌به‌معلولیت تغییر کند و درواقع ببینم که معلول نیست‌م و می‌توانم هنرم، احساس‌م و اندیشه‌ام را به جهان نشان بدهم. الان فقط حسرت می‌خوردم که کرونا نگذاشت در یک سال گذشته به طبیعت برویم. او وقتی در طبیعت قلم به دست می‌گرفت، محو کارش می‌شد و دیگر چیزی در اطرافش نمی‌دید آن قدر که عاشقانه کار می‌کرد.